



کرونا با بچه‌ها چه می‌کند؟

علیرضا کرمانی می‌گوید: افزایش محدودیت‌ها، قرنطینه‌های خانگی و زندگی کردن در محیط ایزوله نه تنها بر بزرگسالان...

علیرضا کرمانی می‌گوید: افزایش محدودیت‌ها، قرنطینه‌های خانگی و زندگی کردن در محیط ایزوله نه تنها بر بزرگسالان، بلکه بر کودکان هم فشار عصبی و روانی زیادی وارد می‌کند. طولانی شدن این روند به مرور زمان در قالب خشونت بروز خواهد کرد؛ در قالب جامعه کم‌صدا و تحملاً به خشونت. این جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا درباره تأثیر کرونا بر فرهنگ به طور مشخص به بررسی این موضوع در گروه سنی کودکان و نوجوانان پرداخت و در ادامه اظهار کرد: هرچند در ابتدای شیوع بیماری، بسیاری از متخصصان گمان می‌کردند ویروس کرونا کودکان را مورد حمله قرار نمی‌دهد، اما به مرور زمان مشخص شد تأثیر آن بر کودکان تنها کمتر از بزرگسالان است. از آن جایی که کیفیت زندگی کودکان یا منابع، امکانات و قدرت در اختیار جامعه بزرگسالی است، و علی‌رغم باور پزشکی مبنی بر تأثیرگذاری کمتر ویروس بر کودکان، این محدودیت فضای زیست ممکن است آسیب عمیق‌تر و وسیع‌تری بر کودکان بگذارد.

او تأکید کرد: مهم‌ترین تأثیری که محدودیت فضای کنش در آینده کودکان و نوجوانان می‌گذارد، «فشار روانی و عصبی» است. طبق آن چه آمارها و مشاهدات گواهی می‌دهد حضور نوجوانان در اعتراضات اخیر بود. این افراد به اقتضای شرایط سنی‌شان، نیازمند محیطی هستند که بتوانند فریاد بکشند و به نوعی انرژی‌شان را تخلیه کنند، اما تمام فضاهایی که این امکان را فراهم می‌کنند، از آن‌ها دریغ شده است. پس بسیاری از آن‌ها به سمت این اجتماعات اعتراضی خودجوش سوق داده شدند. کما این که اکثر کودکان و نوجوانان به دنبال محیطی هستند تا در آن فشار انباشته بر خود را تخلیه کنند. کرمانی در ادامه افزود: آن‌ها حتی در رسوم مذهبی همچون تاسوعا و عاشورا شرکت می‌کنند تا در قالب عزاداری به نوعی رهایی برسند؛ هرچند اغلب خانواده‌ها به جهت حفظ پروتکل‌های بهداشتی از حضور آن‌ها ممانعت می‌کنند. در دهه اول ماه محرم امسال، تنش‌های بسیاری بر سر حضور یا عدم حضور در هیئت‌های مذهبی، میان نوجوانان و والدین صورت گرفت؛ بدین صورت که نوجوانان به شرکت در مراسم تمایل داشتند اما پدر یا مادر که از مخاطره تجمع‌ها آگاه بودند، از رفتن فرزندشان جلوگیری می‌کردند.

مدیرکل اسبق آموزش و پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همچنین تأکید کرد: آثار طولانی مدت کرونا به طور مستقیم بر خشونت‌های رفتاری نوجوانان قابل تشخیص نیست اما زمانی که جامعه‌ای به لحاظ اقتصادی دچار مشکل، فروپاشی و یا نزول می‌شود، به طور حتمی بر روی تمام اجزاء از جمله کودکی اثر می‌گذارد. کرونا باعث شد تا «فقر» با شدت بیشتری در جامعه فراگیر شود و تعداد خانواده‌هایی که رسماً فقیر شده‌اند بسیار افزایش پیدا کرده است. براساس گزارش‌هایی که بارها منتشر شده، خانواده‌هایی که کمتر از ۱۰ میلیون تومان در ماه درآمد داشته باشند، زیر خط فقر قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد اگر تا پیش از کرونا، ۱۰ درصد خانواده‌ها فقیر بودند، حالا بیش از ۵۰ درصد خانواده‌ها فقیر شده‌اند. و از آن جایی که میان «فقر» و «فساد» ارتباط مستقیمی وجود دارد، با بیشتر شدن فقر، بزهکاری و ناهنجاری نیز در جامعه بیشتر می‌شود. شرایط اقتصادی نابسامان، افراد کم‌توان از جمله کودکان را مجبور می‌کند تا برای تأمین زندگی‌شان ناچار به سرقت شوند. جدا از این که این خشونت اجتماعی رایج از کودکان افرادی پرخاشگر و ناهنجار می‌سازد، رفتاری که ناهنجاری‌های اقتصادی بزرگسالان باعث می‌شود که مراقبت‌های والدین هم کمتر شود.

کرمانی سپس درباره تأثیرات فاصله‌بلندمدتی که میان کودکان و اجتماع افتاده است نیز چنین بیان کرد: در بررسی این معضل، دو منظر مورد بررسی است؛ یکی مشکلاتی که آموزش کودکان، دانش‌آموزان و ارزش‌های مربوط به آن را درگیر کرده، و دیگری اتفاقاتی که خود نفس آموزش را دستخوش تغییرات زیادی کرده است. همان‌طور که از ابتدای پاندمی کراراً گفته شده، یکی از مهم‌ترین پروتکل‌های پیشگیری از ابتلا به کرونا، قطع تماس‌های فیزیکی میان افراد، حذف یا به حداقل رساندن هرگونه تجمع است. به همین علت، فضاهایی که می‌توانستند مناسب رشد کودکان باشند، مانند مدرسه، زمین‌های بازی، کلاس‌ها و پارک‌ها از آن‌ها دریغ شدند. این فضاها بسترهایی بودند که کودکان می‌توانستند براساس ارزش‌های خودشان در آن‌ها فعالیت کنند و لذت ببرند. بر همین اساس، کرونا عرصه زندگی و زندگی کردن را برای کودکان تنگ کرد و به عبارتی، زیست جهان کودکی را، که پیش از آن محدود بود، محدودتر کرد. تا پیش از کرونا، کودکان علاوه بر خانه، در فضاهای آموزشی و تفریحی (مثل زمین بازی، محلات، پارک‌ها و...) حاضر می‌شدند و با همسالان خود ارتباط می‌گرفتند، اما بعد از شیوع کرونا از این امکانات محروم شدند.

او همچنین درباره تغییر رویه آموزش تا این مرحله از پاندمی این‌طور توضیح داد: پس از کرونا، اتفاقات خوب و بد زیادی پیش روی حوزه آموزش قرار گرفت. مهم‌ترین اتفاق خوب در آموزش این بود که پس از تعطیلی مدارس، دانش‌آموزان این امکان را داشتند که از طریق اینترنت درس‌ها را فراگیرند و همین مسئله فراغتی را برای آنان حاصل کرد. اگرچه این اوقات را نمی‌شد در مکانی به جز خانه سپری کرد، ولی بسیاری از دانش‌آموزان این فرصت‌ها را برای مطالعه کتاب‌های داستانی، رمان و آموزش زبان‌های خارجی غنیمت دانستند. اما به طور کلی، به نظر می‌رسد مدرسه‌ها علی‌رغم ضعف‌های بسیار، انضباطی داشتند که

پیشرفت تحصیلی را به مراتب سهولت می بخشیدند؛ چراکه بعد از تعطیلی مدارس، کیفیت تحصیلی دانش آموزان افت زیادی کرد. تمام این نظرات، سویه های مثبت و منفی است که کرونا بر زیست جهان کودکی داشته و تأثیرات بسیاری از آن ها همچنان آشکار نیست و در آینده هویدا می شود.

این مدیر پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تأثیر تألمات روحی و روانی فوت بستگان بر کودکان و نوجوانان نیز گفت: آمار مرگ و میر بر اثر کرونا، بیش از بزرگسالان بر روی کودکان اثرگذار است؛ چراکه معمولاً بزرگسالان زودتر فوت می کنند و کودکان تنها می مانند؛ بنابراین تبعات منفی مرگ بر جامعه کودکی به مراتب بیشتر از بزرگسالی است. اغلب کودکان با نبود پدر و مادر دست و پنجه نرم می کنند. تبعات بی سرپرستی یا اصطلاحاً یتیم شدن، در جوامع ماقبل مدرن، به ظاهر چندان آزارنده نبود؛ چراکه خانواده ها گسترده بودند و بعد از والدین، سرپرستی کودکان به پدر بزرگ و مادر بزرگ واگذار می شد. اما در جوامعی که خانواده به صورت هسته ای است، خصوصاً جوامع شهری شده امروزی که خانواده ها اغلب به دلیل انتقال و مهاجرت از هم دور شده اند، انتقال حضانت فرزندان چندان ممکن نیست و اختلافات طبقاتی، فرهنگی و گفتمانی بسیاری را به دنبال دارد. لازم به ذکر است در جوامعی که مدرنیته اتفاق ناقصی بوده، مانند جامعه ما که نهادهای تکمیلی در آن متناسب با خانواده هسته ای نیست و سازوکارهای نهادین حمایتی برای نگهداری از کودکان بی سرپرست تمهید نشده و نهاد جایگزینی وجود ندارد، از دست دادن والدین، مصیبت دردناکی خواهد بود. بسیاری از سویه ها و تأثیرات مرگ و میرهای بیماران مبتلا به کرونا، در حال حاضر نهفته است و در آینده نمایان می شود.

کرمانی درباره تغییر سبک مصرف بعد از کرونا در خانواده ها هم بیان کرد: تبیین کننده بسیاری از رفتارهای اجتماعی، اقتصاد است. زمانی که اقتصاد دچار نزول و نابسامانی شود، الگوهای مصرف هم کاهش پیدا می کند. کاهش سطح مصرف، خصوصاً در مصارف فرهنگی به مراتب بیشتر می شود. حتی در وضعیت اقتصادی عادی هم خانواده ها خرید پوشاک را نسبت به کالایی مانند کتاب ارجح می دانند و برطرف کردن نیازهای فرهنگی را به تعویق می اندازند. متأسفانه از آن جایی که قدرت دست بزرگسالان است، خانواده ها در شرایط بحرانی ترجیح می دهند نیازهای اولیه و اصلی فرزندان را فراهم کنند. گواه این شرایط نیز تعطیلی انتشاراتی ها و کتاب فروشی های مختلفی است که مشتری چندان ندارند. این جامعه شناس و فعال فرهنگی حوزه ادبیات کودک و نوجوان در پایان با اشاره به نبود هیچ گونه برنامه ای برای واکسیناسیون بچه ها گفت: نبود برنامه ریزی درست و کافی برای واکسیناسیون جوانان، ترها ترس ایجاد می کند. این که نوجوانان گمان کنند در جامعه رها شده اند و کسی به فکر آن ها نیست، احساس بدی را در وجودشان ایجاد می کند اما متأسفانه غفلت از این قشر در بزنگاه های اجتماعی و تاریخی، امر جدیدی نیست. در روایات مختلف تاریخی آمده که در بسیاری از فحطی ها و بیماری ها، بسیاری از بزرگسالان کودکان شان را می خورده اند. شاید عجیب نباشد اگر بگوییم شکل دیگری از آن توحش در حال شکل گیری است. در روابط قدرت، فرادستی از آن بزرگسالان است. هرچند میزان خطر کرونا برای افراد مسن بیشتر است اما سویه های جدید بیماری بر بچه ها نیز اثرگذار بوده و می بایست برنامه ریزی درستی برای واکسیناسیون این قشر تدوین شود.